

**"بوکان در گذر تاریخ"**

ئەو عینوانی وتاریکی ریزدار "سه‌لاح ئیسماعیل سورخ"ە که له مآپەری سیروانی هەفتانەدا بلاو کراوەتەو و من له مآپەری بوکان/روژەهەڵاندە چاوم پێی کەوت.

کەم و کۆرییەکی گەورە ی کاری ژورنالیستی کوردی ئەوێه ئیمە کەمتر هەول دەدەین خۆمان بە بیگانه بناسین – جا بیگانهی ئورووپایی و روژناوایی بیت یاخود دراوسیئ بن گوئ و گەلانی داگیرکەری خاکەکەمان. ئیرانییەکان ئیستاش وەک عەشیرەت و تایفە و هۆز دەروانە کورد و شارەزاییان لە رەوتی ئەدەب و شیعەر و فەرھەنگمان نییە. بە هەمان شیوەیە عەرەب و ترک.

نووسینی وتاری بەیژ و خاوەن بەلگە سەبارەت بە کوردستان بە زمانی بیگانه، ئەرکی سەرشانی هەموو لایەکمانە و هیوادارم لەو زیاتر لێی غافل نەبین.

وتاری کاک سه‌لاح بو ناساندنی بوکان و میژوو و جوغرافیا و شوینەوار و ئەشکەوت و چیا و رووبارەکانی گەلنیک بە سوودە و جینگە ی خۆیەتی بکریتە ئینگلیزی و فەرەنسی و ئالمانی، بو ئەوێ شار و ناوچەکە بە ئورووپاییەکانیش بناسینریت. من لێرەدا دەقی وتارەکە دەهینمەو و هیوادارم کاک سه‌لاح لە درێژە ی کارمەیدا زیاتر بچیتە قوولایی هەر ئەو بابەتەنەو که لێرەدا باسی لێو کردوون. دەولەمەند کردنی بابەتەکە و ناساندنی بەلگە و سەرچاوەکان دەتوانی دواتر بییتە ناوەرۆکی کتیبیکی سەر بەخۆ و لە شوینیکی وەک تاران بلاو بییتەو.

ئەوێش دەقی وتارەکە:

بوکان در گذر تاریخ

سلام اسماعیل سرخ

بە س خوالو بە خیال بروانە / خواب آلود نباشید بنگرید

شاری بوکان وە کو بوکان جوانە/ شهر بوکان مثل عروس زیباست

یکی از شهرهای گردنشین استان آذربایجان غربی بوکان یا شهر عروسها می باشد که در دشتهای حاصلخیز (مکری یان) آنجا که دروازه های ورود مغها برای زیارت آتشکده های آذرگشسب به تخت سلیمان تکاب ( مغری یان) یعنی راه مغها می گفتند که به مرور ( مکری یان) نام گرفته است.

بوکان در 46 درجه و 13 دقیقه طول جغرافیایی و 36 درجه و 32 دقیقه عرض جغرافیایی با ارتفاع 1370 متر از دریای آزاد قرار دارد.

در 65 کیلومتری جنوب خاوری مهاباد و از جنوب به شهرستان سقز از خاور به شهرستان شاهین دژ همسایه است. آب و هوای معتدل با میانگین 500 میلی متر بارندگی در سال. منطقه بوکان در میان دو رودخانه بزرگ سیمینه رود در اصطلاح کردی (تاتاهو) و زرینه رود (جغتو) که حاصلخیزی و برکت خود را از وجود این دو رودخانه می گیرد؛ واقع شده است. جغتو از کوهستانهای «چهل چشمه» و دیگری از کوه های زاگرس سرچشمه می گیرد که شاخه ای هم از کوهستانهای (ماین بلاغ) افشار بنام (ساروخ) بدان اضافه می گردد که در مصب رودخانه جغتو در 25 کیلومتری شرق بوکان سد شهید کاظمی (کوروش کبیر) به وسیله یک شرکت اطرائشی در سال 50 - 47 احداث گردیده است. جمعیت بوکان در زمان ناصرالدین شاه قاجار هنگام تملک سردار «عزیزخان مکر» داماد امیر کبیر بخش کوچکی بوده و بیشتر از صد خانوار در آن نبوده اند. در سال 1365 حدود 100 هزار نفر جمعیت و حالا جمعیت آن به 200 هزار نفر می رسد؛ که شامل سه دهستان بنام (آختاچی، بهی، ترجان) که مجموعاً شامل 150 روستا می باشد. اولین مدرسه ابتدایی به شیوه ی نوین در سال 1307 دایر گردید.

نخستین درمانگاه بوکان در سال 1326 با پزشکی دکتر «فریدریش آلمانی» جراح و دستیاری همسرش آغاز به کار کرد.

اولین روزنامه هم بنام هلاله در اسفند ماه 1324 از چاپخانه بوکان منتشر شد و اولین گروه های کوهنوردی به شیوه نوین در سالهای 50 - 47 توسط دبیرانی که از مرکز و شهرستانها به این شهرستان آمده بودند برپا شد.

#### بوکان و تاریخ:

تامل در باورهای عمومی خود به این نکته رسیده ایم، برای داشتن آینده ای بهتر باید تاریخ و گذشته خود را با خوب و بدی هایش بشناسیم چون هر حرکتی قوانین خاص خود را دارد. بوکان هویت تاریخی خود را از (قلعه باستانی قلاچی) در مجاورت روستای قلاچی در هشت کیلومتری شمال شرقی بوکان می گیرد؛ که بازمانده یکی از مراکز بسیار مهم تمدن (ماناها) در هزاره اول پیش از میلاد مسیح در حوزه شمال غرب ایران که برخوردار از تمدن و قانون بودند؛ است.

حاکمان قلعه تاریخی قلاچی معبد این قوم متمدن بودند که نزدیک به سه هزار سال پیش مدت زمانی در این ناحیه سکونت و حکم رانی کرده اند و آنچه از اجزای معماری این تمدن کهن در این قلعه باستانی به دست آمده با تمدن های مشابه و هم زمان خود از جمله (حسنلو) در نقره و (زیویه) در سقز که از نظر جغرافیایی با قلعه (قلاچی) هم حوزه است، قابل مقایسه و برابر دانست به گونه ای که آثار معماری مکشوفه از نظر مشخصات و نقشه بیش از هر چیز بیانگر یک معبد بزرگ است.

معماری مکشوفه شامل تالار بزرگی است از شرق تا غرب به قلعه، این تالار در جبهه غربی به دو اتاق و در جبهه شرقی به برج هایی ختم می شود. در بخش مرکزی تالار بازمانده ی چند ستون سنگی بر کف معبد به دست آمده روی دیوارهای درونی تالار را نقاشی دیواری (دیوار نگاری) به گونه ای بسیار کامل و استادانه که در نوع خود منحصر به فرد می باشند؛ تزیین می کرده است. نقاشی ها عمدتاً به رنگ های قرمز، ابی و سفید است و نقوش هندسی و تزیینی را القاء می کند.

جزو دیواره نگاره ها، آجرهای لعاب دار منقوش در این قلعه باستانی است که جز در شوش به این میزان آجر لعاب دار از هزاره اول به دست نیامده است که با کنار هم قرار دادن آجرهای لعاب دار نقوش زیبایی متشکل از مثلث ها، دواپر متداخل، خطوط شکسته و نقوش انسانی و گیاهی حاصل می گردد که مفاهیم و معانی خاص را در بر دارد. از عمده ترین این نقوش نقش گل نیلوفر آب (لوتوس)، ستاره ایشتار، نیم رخ مردان و زنان و ردیف موجودات افسانه ای را می توان نام برد. ارزنده ترین مدرک بی نظیر سنگ نبشته ای که از آن به مترل یاد بود (استل) استفاده می شده است که 13 سطر که به خط آرامی کهن بوده، که هم اکنون در دست مطالعه زبان شناسان است که متأسفانه در این بازار فتنه و آشوب بیشتر آجرهای لعاب دار منقوش معبد باستانی قلاچی بوکان غارت و به یغما رفت و برگی سیاه دیگر بر دوران بی خبری ما افزوده گردید.

علاوه بر آن دهها اثر باستانی دیگر به دست آمده که گویا قدمت بوکان و منطقه است که گذشته به نسبت میراث فرهنگی رسیده است از جمله: تپه آسیاب کهنه واقع در قریه احمد آباد محال فیض الله بیگی مربوط به اقوام هزاره قبل از میلاد.

تپه سیخان بزرگ واقع در قریه باغچه بهی محال فیض الله بیگی مربوط به اقوام هزاره قبل از میلاد. تپه کلنیه در قریه کلنیه بوکان به اقوام هزاره اول قبل از میلاد. تپه قره کند در قریه قره کند محال آختاچی مربوط به اقوام هزاره اول قبل از میلاد. گردی خلیسکه واقع در قریه سراب محال بهی مربوط به دوران پالئولیتیک. تپه روژیانی در قریه عزیز کند مربوط به دوره برنز قبل از میلاد. تپه گرده شین در قریه رحیم خان محال بهی مربوط به دوره برنز قبل از میلاد. و دیگر تپه ها و آثار باستانی دیگر....

#### واژه ی بوکان و نظریه های مختلف

عده ای معتقدند واژه ی (بوکان) مخفف (بوکه کان) به معنی عروسان آمده درست است و مراسم عروسی و چوپای را در کردستان روی چشمه سارها برپا کرده اند و بوکان روی استخر و حوض بزرگ برپا بوده است به نام (کانی بوکان) چشمه عروسان، بعدها کانی حذف و نام شهر بوکان باقی مانده است.

اما عده ای معتقد بوده اند بو به معنی سرزمین و کان را نیز معدن آب گفته اند یعنی جایی که مرکز آب و آبادانی بوده که این نظریه از استوره ی بیشتر علمی برخوردار است. اما آنچه مهم بوده است در این شکی نیست منطقه بوکان به علت آب زیاد و چشمه سارهای فراوان که مایه ی تجمع انسان ها بوده است از قدیم پادگان اشکانیان و ساسانیان بوده است. شاید بیشتر از هر چیز بوکان و نام بوکان با قلعه تاریخی سردار و استخر زیبای بزرگ مشهور به (حه وزه گه وره) آمیخته باشد. این قلعه در وسط شهر و بر روی تپه مرتفعی بنا شده که ارتفاع آن در حدود 50 متر و جمعا مساحت نزدیک به یک هکتار را اشغال کرده بود جنس مصالح آن سنگ و آجر و در قسمت شرقی و غربی آن دو برج مشنور نما وجود داشت و بر سر هر برج آن کنگره های از فلز مخصوص براق که درخشش آن در روزهای آفتابی از نقاط بسیار دور به چشم می خورد و در سایر قسمت های دیگر ساباط، سایبان، حمام و فراشخانه و غیره داشت که بنایی به غایت قدیمی بود و در دوران قاجار مرکز حکومت سرداران مکرری بود و در حیاط آن فواره خودکاری به قلعه روان بود و تا سال 1325 باقی بود که در زمان سیف الدین خان توسط مهندسین روسی و استاد کار آهنگر بوکانی به نام حاج محمد مشهور به (حمه کله) اقدام به نصب وسایل پمپ پاژ تلمبه از استخر به قلعه می کرد که حدود 100 سال قبل آب به قلعه می آورد. در قلعه سنگهای منقوش بسیار زیبا وجود داشت که متاسفانه همگی مورد دستبرد قرار گرفت. بعدها این قلعه به اداره فرهنگ و اگزار گردید که متاسفانه به علت بی کفایتی متولیان این قلعه زیبا و بی نظیر در سال 58 - 57 ویران شد و شاید بهتر است که گفت شهری ویران گشت و آثارش مورد دستبرد قرار گرفت.

#### بوکان در نوشته ها و خاطرات جهانگردان

«ژاک دمورگان» در جغرافیای غرب ایران جلد 2 صفحه 21 حدود 110 سال قبل که از بوکان دیدن کرده است از آرامش و مهمان نوازی «سیف الدین خان» حاکم بوکان یاد می کند که همین باعث ماندن و تحقیق در (غار سهولان) گردید و بعدها به (دخمه فرورتیش) در مهاباد و (کتیبه کیله شین) در کوه «درو» و در شهرستان اشنویه برود.

«حاج سیاح» هم در سال 1261 شمسی به هنگام بازدید از مکرری بیان از استخر زیبای بوکان و جاری شدن آب زلال در قناتها و مهمان نوازی حاکم و مردمان این دیار یاد می کند. در سفرنامه (لرد کردزن) ریاست محافظه کار انگلیس در سال 1892 میلادی ترجمه وحید مازندرانی کتاب (ایران و قضیه ایران) از آرامش مکرری بیان یاد می کند و از حاکم با نزاکت منطقه بوکان (سیف الدین خان) مکرری که تربیت یافته و مسلط به زبان فرانسه یاد می کند. غارهای بوکان

#### 1- غارهای کونه پیست: آبادی سردار آباد

2- غار سهولان: واقع در جاده برهان بین بوکان و مهاباد که به علت جاذبه های فراوان و آسفالت راه امروز به یک قطب جهانگردی در کردستان تبدیل شده است برق کشی داخل غار و قایقهای تفریحی دور دریاچه غار و راهنمایان خوب، غار نوردی را در سهولان لذت بخش کرده است.

3- غار مکرری قران: واقع در روستای خراسانه که در زمان شاه عباس صفوی مردمان منطقه مکرری بیان را در این غار جمع آوری کردند و با دود خفه کرده اند که همواره در حافظه تاریخی مردمان این منطقه به یادگار مانده است. که اولین بار (شیخ الاسلام) روستای آجیکند در آن کند و کاو کرد؛ بعدها سپاهیان دانش روستاهای خراسانه - عزیز کند و آجیکند در این غار کند و کاو را ادامه دادند.

4- غار کونه کوتر روستای ینگجه بوکان

5- غار کونه کوتر ( روستای قلاچی) که این غار هنوز بازگشایی نشده است اما در سالهای 84 - 83 توسط سنگ نوردان و غار نوردان بوکان از جمله ناصر فیض الله بیگی و فتاح کارگر و فرامرزی این غار نسبتاً سخت که با دهانه های عمومی نسبتاً طولانی راه خود را به درون دالانها و دهلیزهای خطرناک می گشاید گشایش شده است.

6- غار سیا واقع در کوه «وستا مصطفی» که به علت مخوف بودن هیچ کاری در آن صورت نگرفته است و همچنان ناشناخته است.

7- غار کول آباد: در مسیر 40 کیلومتری جاده آسفالته بوکان - میاندوآب در دامه کوه کول آباد واقع است که غار طبیعی و آهکی است که مردمان روستاهای اطراف از قدیم آن رامی شناختند و از روی کنجاوی بدان روی می نهادند.

8- غار مصنوعی سماقان یا بی بی کند این غار در وسط کوه مرتفع (فرهاد تراش) در کنار روستای (سماقان) که مشرف به رودخانه زرینه رود می باشد واقع است.

این غار مصنوعی حالت قلعه دارد که دارای هفت باب اطاق کوچک سنگی کنده شده با دست که مربع شکل است که هر یک گنجایش 6 نفر را دارد. اطاقها دارای پنجره های سنگی مشرف به جاده فرعی است. شاید هم زمان خود حالت یک معبد را داشت است و در دامنه کوه که درخت سماق زیاد دارد که به مصرف روستاییان می رسد. وجه تسمیه غار سماقان از وجود همین درختهای سماق است.

کوههای منطقه شهرستان بوکان

کوههای منطقه بوکان که به حافظه تاریخی این ملت پیوند ابدی خورده است عبارتند از نالشکینه - برده زرد - کلنگه - مجموعه قله های وستا مصطفی - و کوه ترغه که در این میان کوه وستا مصطفی به علت امتداد آن از جنوب شرقی بوکان تا گردنه خان و کوه وزنه بانه به درازای 100 کیلومتر که سرچشمه دهها رود و جاری شدن چشمه های بی مانند است و مرکز انواع گونه های بی نظیر گیاهی از اهمیت زیادی برخوردار است . کوه ترغه که در 25 کیلومتری غرب بوکان که با داشتن انواع دیواره های بی نظیر سنگ نوردی و سنگرهای به جا مانده سنگی بی نظیر از جنگ روس تزاری و عثمانی در این کوه و داشتن کتیبه قدیمی در قله آن که توسط غارتگران به یغما رفت و دو جان پناه کوهنوردی همواره آمال کوهنوردان و سنگ نوردان بوکان بوده است و در فرهنگ مردم مکرریان کوه ترغه از قداست و جایگاه ویژه ای برخوردار است. متعالی ترین باورها و اسطوره ای ترین شعرها از کوه ترغه الهام گرفته اند و در جای خود زاینده ترین نوع نظام ارزشی را در کردستان به وجود آورده است.

آنجا است که شاعر گرانمایه کُرد هزار می سراید:

ترغه چونی سه رت هه ر برزه

لیک جیا بوونه وه مان چه ن ورزه

روژه دبی ناوی هزار نامینی

سازی نازادی له روت ده خوینی

ترغه چطوری قله ات همچنان بلند است

از جدا شدنمان چند فصل می گذرد

روزی خواهد بود که هزار نمی ماند

اما ساز آزادی را روی قله ات خواهند زد

کوه وستا مصطفی: در جنوب شرقی آبادی ترجان و شمال آبادی کوندلان 2700 متر ارتفاع در میان آبادیهای (بویکتان) و (باغ شیخان)متصل است به کوه 2046 متری قلعه قوزلوه و از طرف روستای (کانی دریژ) متصل است به کوه 2198 متر قره قایه و ادامه آن به کوه 2240 متری هواره برزه در میان روستاهای (یاغیان)، (سارده کوهستان)، (شیخ چویان) و (میرگه نخسینه) متصل است و ادامه رشته کوه وستا مصطفی تا کوه بلند 2700 متری پیر بوداغ و کوه (غزب) که 2160 متر ارتفاع دارد. چگونگی نامگذاری این کوه به نام غزب مشخص نیست و بزرگترین غار ناشناخته بنام (غار سیاه) در کوه (غزب) واقع گردیده است که کوهنوردان هنوز نام و شناسنامه ای از آن تهیه نکرده اند کوهنوردان بوکان با قله وستا مصطفی و چشمه های آن آشنا هستند امیدوارم روزی شناسنامه این رشته کوه که تا (وزنه) شهرستان بانه ادامه دارند تهیه کنیم که شرافتی است بر شرافت زاکرس

